

## چنانکه شایسته فرزندان عزیز خداست، بکوشید که مانند او باشید



موعظه ی یکشنبه ی OKULI افسسیان باب 5 آیات 1 الی 8

چنانکه شایسته فرزندان عزیز خداست، بکوشید که مانند او باشید. از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسی مسیح با قربانی خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه‌ای خوشبو به خدا تقدیم نمود. و چنانکه شایسته مقدسین خداست، در میان شما چیزی درباره زنا و بی‌عفتی‌های دیگر و طمع‌کاری بر زبان نیاید. پسندیده نیست که سخنان ریک و یا حرفهای بی‌معنی یا زشت بکار ببرید، بلکه در عوض باید خدا را شکر کنید. خاطر جمع باشید که تمام اشخاص زناکار و بی‌عفت یا طمع‌کار (زیرا طمع‌کاری یک نوع بت‌پرستی است.) هرگز در پادشاهی مسیح و خدا سهمی نخواهند داشت. اجازه ندهید کسی با دلایل پوچ خود شما را فریب دهد؛ زیرا به علت این چیزهاست که غضب خدا بر افرادی که مطیع او نیستند وارد خواهد آمد. پس با چنین اشخاص کاری نداشته باشید. شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون در اتحاد خود با خداوند، در نور هستید. پس مانند فرزندان نور زندگی کنید.

برای چه تو نمی توانی همانند پدرم باشی؟ همسر عصبانی به شوهرش این جمله را گفت! برای چه تو نمی توانی کمی بهتر همانند برادرت اشتغال باشی؟ مادر پسر بد این کلمات را به او گفت! کلماتی از این قبیل باعث جریحه دار کردن روح انسان ها می شود. این کلمات برای تغییر در خصوصیات فرد به وی گفته می شوند اما کاملا تاثیر مخالف دارند. با شنیدن چنین کلماتی انسان نمی تواند به یک شروع مثبت و جدید فکر کند. مقایسه کردن افراد با یکدیگر تنها باعث ایجاد افسردگی در آن فرد می گردد. این مساله را می توان در مقایسه ی کودکان با کودکان همسایه ی دیگر و یا نمرات فرزند با خواهر یا برادر دیگرش به وضوح مشاهده نمود. نه! این گونه مقایسه هایی مناسب نیستند. در موعظه ی امروز ما پولس این چنین مقایسه ای را انجام می دهد. او راه خداوند را در انجام این کار پیش می گیرد! به صورتی که او انسان ها را با خداوند مقایسه می کند و نه یک انسان معمولی. پولس عزیز! آیا پا در کفشی بزرگ تر از خودت نکرده ای؟ ما در اینجا می توانیم نقاط منفی دیگری نیز ببینیم به طوری که در واقع پولس می خواسته خود را در حد و اندازه ی خداوند بداند! کاری شبیه به این را دقیقا مدت ها پیش اولین انسان ها یعنی آدم و حوا انجام دادند. و این کار باعث سقوط ما از عرش خداوند به فرش زمین پر گناهی که ما امروزه در آن به سر می بریم شد. امروزه نیز ما افرادی را می شناسیم که می خواهند وارد بازی با خداوند شوند و به همین دلیل به خود این اجازه را می دهند که راجع به مرگ و زندگی افراد تصمیم بگیرند. آنان در نام خداوند قتل و خونریزی می کنند. در بین کسانی که با استفاده از نام خداوند کار های بد و زشت انجام می دهند و کسانی که هر کاری را با کمک از انرژی خداوند انجام می دهند به اندازه ی آسمان ها فاصله و تفاوت وجود دارد. کارهای خوب همانند یک کوه بسیار بزرگ در بین راه انسانها قرار دارد. انسانها باید ابتدا این کوه عظیم را فتح کنند تا در نهایت به خداوند برسند. با تلاش سخت و با استفاده از انرژی خود انسان ها باید خود را به خداوند برسانند. این کوه بلند که ما در اینجا به آن اشاره نمودیم زندگی با اخلاق می باشد. پولس در موعظه ی امروز ما سه مثال در باره ی این زندگی با اخلاق به ما می دهد. این سه مورد شامل جنسیت ثروت و سخنان آنان در مورد دیگران می باشد. اگر تعیین همه ی این سه مورد به عهده ی خردمان بود قطعاً ما بهترین چیز هارا برای خود انتخاب می نمودیم. و پس از آن تنها انجام کار های خوب می ماند برای انجام دادن. تاریخ بشر تاریخی است که بر علیه چنین چیز هایی مدت ها است می جنگد. شاید حتی برخی از تمام جنسیت ها برای خود استفاده می کردند تا در آینده مورد وسوسه برای جنس مخالف قرار نگیرند. و چیزی که در انتها به دست می آید انحراف و آزار در پشت در های بسته می بود. برخی دیگر حاضر بودند تمام اموال

خود را بدهند تا بتوانند به خداوند نزدیکتر بشوند. به همین جهت انسانهایی سخت قانونمند شدند. برخی دیگر با تلاش بسیار سعی کردند خنده شادی ها و در کل تمام کلماتی که از خداوند می آیند را کاهش داده و از آنان اجتناب کنند. چیزی که در پایان نتیجه خواهد داد کاملاً متفاوت با خداوند است. در این شرایط مردم منحرف شده اند. طبیعتاً این بسیار آسان است که در مقابل چشم دیگران خوب به نظر بیاییم. تا زمانی که پرده از چیز های زشت برداشته نشده باشد. این چنین چیز های چیز های مریضی هستند و از خداوند نیامده اند. نه! منظور پولس در اینجا چیزی کاملاً متفاوت است: در عشق زندگی کنید همانطور که عیسی مسیح ما را دوست داشت و برای ما خود را قربانی نمود.

در تمام کار های ما همیشه عیسی مسیح در رده اول قرار دارد. او از ما نمی خواهد که لذات دنیوی را ول کرده و این کوه اخلاق را پشت سر بگذاریم تا به زندگی در آسمان ها برسیم. بلکه او کار دیگری را به وسیله ی راه دیگری انجام داد. او خود از آسمان به زمین آمد. او جلال و مردانگی خود را بر روی میز قربانی قرار داد تا ما بتوانیم امروزه از برکت وجود او زندگی کنیم. به همین دلیل می دانیم که ما همه چیز را از او داریم و به کمک او می توانیم امروزه زندگی کنیم. پولس در ادامه می فرماید: به راستی که پس از آمدن عیسی مسیح رابطه ی جدیدی بین انسان و دنیا آغاز شد. بدون عیسی مسیح ما تنها در روابط جنسی خود خلاصه می شدیم. پس در این حالت انسانها تنها دلیلی بودند برای لذات جنسی و یکی پس از دیگری عوض می شدند. انسانی که روابط جنسی خود را بدون خداوند تجربه کند به فلاکت خواهد افتاد. او ابتدا دیگران را با حرص و آز از بین خواهد برد سپس خودش را. و همینطور با چیز های خوب دیگری که خداوند به ما داده است برخورد می کند. بدون عیسی مسیح ما تباه خواهیم شد. برای مثال ساعت 5 صبح افراد زیادی در صفی طولانی انتظار می کشند. آنان منتظر چه چیزی هستند؟ یک فیلم سینمایی جدید؟ بلیط ورودی کنسرت یا فوتبال؟ خیر! آنان منتظرند تا جدید ترین مدل آیفون 6 را بخرند! و پس از آن زندگیشان در یک صفحه ی 5 سانتی متری آن خلاصه خواهد شد! آنان برنامه هایی مانند واتس آپ را استفاده خواهند نمود و دیگر نظرشان به زندگی جلب نخواهد شد. درست است آنان با جدید ترین شیوه ی ارتباطی آشنا خواهند شد اما این شیوه آنان را تسخیر نموده و آنان را مریض خواهد نمود!

انسان در رابطه با موارد دیگر نیز این چنین می باشد. مثلاً وی یخچال خود را با انواع خوراکی ها پر می کند به طوری که پس از مدت کوتاهی مجبور به بیرون انداختن بیشتر آن خوراکی ها بدلیل فاسد شدنشان می شود. بدون عیسی مسیح تمام اعمال ما همانند زباله های اتمی می باشند. و بدون وی انجام دادن این کار ها بیهوده می باشد. چگونه می توانیم از اینها آزاد و رها شویم؟ اینکه از گوشی های موبایلمان کمی دوری کنیم و به زندگی دقت بیشتری داشته باشیم خیلی راحت تر و کم خطر تر از این است که مدت طولانی گوشت نخوریم. تنها یک تصمیم برای آینده ای بهتر مانند امید داشتن به رسیدن به موقع قطار در یک روز برفی طوفانی است. پوچ و تقریباً غیر ممکن. به جای حدس و گمان و ... پولس می خواهد به ما عیسی مسیح را بشناساند. بدون عیسی مسیح ما همانند گم شده گان هستیم. با او ما تمام پیش نیاز ها برای آزاد شدن را داریم. عیسی مسیح نیامد تا ما بهتر زندگی کنیم. او خود را قربانی نمود و بدینوسیله او زندگی را به ما هدیه داد. او ما را خرید نه با طلا و نقره بلکه با پرداختن زندگیش. تمام ما از بابت قربانی شدن عیسی مسیح این زندگی را داریم و می توانیم زندگی کنیم! پولس نمی خواهد به ما بگوید که همانند عیسی مسیح خود را قربانی کنید بلکه می خواهد بگوید با استفاده از نور وجود او عشق و محبت را در جهان رواج دهید. دقیقاً همانند پنجره ی کلیسای خودمان. هنگام شب در جایی که آن پنجره وجود دارد ما تنها یک دیوار تاریک می بینیم. ما انسان ها نیز بدون عیسی مسیح اینگونه هستیم. اما هنگامی که عیسی مسیح با نور خود سمت ما می آید. تمام زندگیمان را با نور خود روشن می سازد. و با عیسی مسیح و در او من می توانم از تمام بدی ها آزاد و رها گردم. و همانطور که پولس می فرماید: من می دانم چگونه در فقر و بیچارگی و یا در سعادتندی زندگی کنم. به رمز زیستن در سیری و گرسنگی، در فراوانی و نیازمندی پی برده ام. من به وسیله مسیح که مرا تقویت می کند، به انجام هر کاری قادر هستم. (فیلیپیان باب 4 آیات 12 و 13).

در حال حاضر نور خداوند در شما وجود دارد. همانند کودکان او در نام او زندگی کنید.

آمین!